

مجموعه مباحث اخلاقی

تلاش محبّ دستیابی به خشنودهی محبوب

استاد معظم

حضرت آیت الله یثربی کاشانی «دامت برکاته»



۱۵ آبان ماه ۱۳۸۷

۶ ذی القعدة ۱۴۲۹

تکثیر این جزوه

با رعایت محتوا، حفظ امانت در نقل و ذکر مأخذ مجاز است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين وصلى الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين ولعنة الله على أعدائهم أجمعين .

«اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا مِمَّنْ دَاءُهُمُ الْأَرْتِيحُ إِلَيْكَ وَالْحَنِينُ وَدَهْرُهُمُ الزَّفْرَةُ وَالْأَنْبِيَاءُ جِبَاهُهُمْ سَاجِدَةٌ لِعِظَمَتِكَ وَعُيُونُهُمْ سَاهِرَةٌ فِي خِدْمَتِكَ وَدُمُوعُهُمْ سَائِلَةٌ مِنْ حَسَنِيَّتِكَ وَقُلُوبُهُمْ مُتَعَلِّقَةٌ بِمَحَبَّتِكَ وَأَقْبِدَتْهُمْ مُنْخَلَعَةٌ مِنْ مَهَابَتِكَ».

بارخدايا! قرار ده ما را از آنان که عادتشان شادمانی و آرامش به درگاه تو و ناله و زاری از دوری توست و روزگارشان آه و ناله است ، پیشانی‌شان سجده کننده است به بزرگی تو و دیدگان‌شان بی خوابست در خدمت تو و اشکشان روان است از ترس تو و قلب‌هایشان آویخته است به دوستی تو و دل‌هایشان برکنده است از شکوه و هیبت تو .

مقامِ اِصْطِفَاءِ؛

پس از بیان مراتب و درجات حبّ و اینکه امام سجاد ع تقاضای دسترسی و چشیدن چنین حلاوتی را از درگاه الهی دارند؛ به توضیح فراز

دیگری از این نیایش می‌رسیم. در این قسمت امام زین العابدین علیه السلام تقاضای دست یافتن به مقام «إِصْطِفَا» را دارند. این مقام، مقامی است که بنده مورد عنایت حق تعالی قرار می‌گیرد. در این مرحله عبد مورد گزینش قرار گرفته و برگزیده خاص خداوند سبحان می‌شود؛ همانطور که خداوند سبحان به حضرت موسی علیه السلام می‌فرماید:

﴿وَاصْطَنَعْتُكَ لِنَفْسِي﴾^(۱).

من تو را برای خود ساختم و پرورش دادم.

در حدیث قدسی نیز آمده است که حضرت موسی علیه السلام از خداوند سبحان پرسید: چرا از میان تمام انبیاء علیهم السلام مرا به مقام کلیم اللهی انتخاب نمودی؟ خداوند متعال در پاسخ فرمود:

«إِطَّلَعْتُ عَلَى قُلُوبِ الْآدَمِيِّينَ فَلَمْ أَجِدْ قَلْبًا أَشَدَّ تَوَاضَعًا مِنْ قَلْبِكَ»^(۲).

برقلوب آدمیان آگاه شدم، اما قلبی متواضع‌تر از قلب تو نیافتم.

پس از مقام محبت که شوق لقای الهی و رضا به قضای الهی از ثمرات این مقام است؛ مقام گزینش و انتخاب الهی در پی می‌آید.

عبادت، عادت همیشگی؛

برای اینکه بهتر بتوانیم از این فراز نیایش بهره جوئیم لازم است اندکی در

۱-سوره طه آیه ۴۱.

۲- تاریخ مدینه دمشق جلد ۶۱ صفحه ۵۳ (با اندکی تفاوت).

معانی برخی از واژه‌های آن تأمل نماییم؛

۱ - دأب؛ به معنای عادت مستمر و پایدار می‌باشد^(۱). در قرآن کریم آمده

است؛

﴿كَذَّابٍ آلِ فِرْعَوْنَ﴾^(۲).

همچون عادت آل فرعون.

۲ - واژه ارتیاح؛ اگر از ریشه «ریح» مشتق شده باشد به معنای حرکت

سریع است^(۳). اما اگر از ریشه «رَوَح» اخذ شده باشد به معنای بازگشت و

رجوع همراه با مسرت و خوشحالی است^(۴).

۳ - کلمه حنین؛ به معنای عتاب و خطاب، ناله و زاری همراه با اشفاق و

محبت است^(۵).

۴ - واژه زفره؛ معنای به بیرون آمدن نفس است به نحوی که پهلو متورم

گردد. به عبارت دیگر، تنفس سخت و با مشقت است و کنایه از تحمل

سختی می‌باشد^(۶).

۵ - کلمه انین؛ نیز به معنای آه و ناله می‌باشد^(۷).

۱- مفردات الفاظ القرآن صفحه ۱۶۵.

۲- سورة آل عمران آیه ۱۱.

۳- مفردات الفاظ القرآن صفحه ۲۱۰.

۴- مفردات الفاظ القرآن صفحه ۲۱۱.

۵- مفردات الفاظ القرآن صفحه ۱۳۲.

۶- مفردات الفاظ القرآن صفحه ۲۱۷.

۷- لسان العرب جلد ۱۳ صفحه ۲۸.

گوهر و لبّ فرمایش امام سجّاد علیه السلام در این نیایش چنین است؛ بارالها! بنده‌ای که شیرینی و حلاوت حبّ و قرب تو را چشیده است، هیچ چیز دیگری کام او را شیرین نمی‌کند؛ چرا که او به مقام خلوص دست یافته و در جایگاه صدق و راستی رحل اقامت افکنده است. او راضی و خشنود به قضا و خواست توست. خداوندا! شب و روز بنده را به گونه‌ای قرار ده که از روی عادت و طبیعت به یاد تو باشد و از دوری تو آه و ناله کند و به سمت و سوی تو حرکت کند.

خداوندا! او را همانند کسانی قرار نده که ساختگی و تصنّعی، و از روی مشقّت و زحمت به یاد تو باشند و ناله و زاری آنان ظاهری باشد.

تقاضا و خواهشی که امام سجّاد علیه السلام به ما می‌آموزند این است که باید مسیر و جهت حرکت ما، الهی باشد و آنی از یاد و نام خداوند سبحان غفلت نکنیم. تمام افعال و اعمال ما باید در راستای قرب به سوی حضرت حق باشد. ما نه تنها باید از محرّمات و مکروهات اجتناب نمائیم، بلکه باید در مباحات نیز مراقب باشیم و جانب اعتدال را رعایت نمائیم. اگر بر سر سفره‌ای نشسته‌ایم که غذای حلالی در برابر ما قرار دارد، به حدّ ضرورت میل نماییم تا توان عبادت و شب زنده داری داشته باشیم. از پرخوری هر چند غذای حلال و خواب بیش از نیاز اجتناب نماییم. علاوه بر واجبات، تا حدّ امکان مستحبات را به جا آوریم. امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرمایند:

«أسهروا عیونکم وأضمروا بطونکم واستعملوا أقدامکم وأنفقوا

أموالكم وخذوا من أجسادكم فجودوا بها على أنفسكم ولا تبخلوا بها
عنها»^(۱).

شب هنگام چشمانتان را بیدار بدارید و شکمهایتان را خالی نگهدارید، گام‌ها را در راه خیرات بردارید و اموالتان را در راه مستمندان انفاق کنید، از خواسته‌های بدن‌های مادّی فروگیرید و از آنها برای پیشبرد و تکامل نفوستان بهره‌ها بردارید و با علاقه به ابدان خود، دربارهٔ اعتلای نفوس خود بخل نورزید.

شفقت و درجات آن؛

شب زنده داری، روزه داری در روزهای گرم و طولانی تابستان و ... برای محبوب مشقّت آور نیست بلکه از آن لذّت می‌برد. حنین، مهربانی همراه با اشفاق و ترحمّ است، حنّان: نیز یکی از اسمای خداوند متعال است^(۲)؛ یعنی خداوند متعال به بندگان مهربان است و به آنان ترحمّ می‌کند. از طرف دیگر انسانها نیز مشفق هستند، و اشفاق آنان دارای چهار درجه می‌باشد.

۱ - اشفاق بر نفس؛ در این مرحله ودرجه، بنده نگران است که مبدا نفس به سوی عناد و دشمنی با حق تعالی گرایش یابد. و از طرف دیگر هراس دارد که مبدا اعمال و کردار او با نیّتی غیر خالص همراه شود و تمام افعال و اعمال

۱- نهج البلاغه، خطبه شماره ۱۸۳.

۲- شرح اسماء الحسنی، جلد ۱ صفحه ۴۹.

نیک او تباه گردد .

۲ - اشفاق بر وقت ؛ در این مرحله بنده از این هراس دارد که نکند اوقات او در اثر نظر و التفات به غیر حقّ ، مشوب گردد و آنی از حقّ تعالی غافل شود .

۳ - اشفاق بر قلب ؛ در این مرحله نگرانی بنده از این است که مبدا چیزی که با خداوند معارض است در قلب وارد شود و مانع ترقّی آن شود ، یعنی مطلبی موجب ملال و سستی گردد و اشتیاق و رغبت به سوی خداوند متعال زایل شود .

۴ - اشفاق بر یقین ؛ نزد اهل معرفت یقین گوهر گرانبها و کمیابی می باشد . صاحب یقین کسی است که در تمام امور خود به خداوند متعال تکیه و توکل کرده است . در این مرحله ، بنده مشفق ، نگران است که مبدا او به جای توکل و یقین به حق تعالی به اسباب و وسایط تکیه کند و چشم امید به آنها بدوزد . هنگامی که نمرود ، حضرت ابراهیم علیه السلام را با منجنیق در آتش افکند ، جبرئیل بر ایشان علیه السلام نازل شد و گفت : آیا خواسته ای داری ؟ حضرت ابراهیم علیه السلام نه تنها از جبریل هیچ تقاضایی نکرد ، بلکه تقاضای کمک و یاری از خداوند متعال نیز نخواست و فرمود :

«حسبي من سؤالي علمه بحالي»^(۱) .

نیاز به درخواست نیست ؛ زیرا او به من آگاه است .

۱- بحار الانوار، جلد ۶۸ صفحه ۱۵۶ .

در روایت دیگری نیز آمده است شخصی از امیرالمؤمنین علیه السلام سؤال کرد اگر کسی را در خانه‌ای قرار دهیم و درب را بر روی او ببندیم، خداوند متعال رزق و روزی او را چگونه می‌دهد؟ امیرالمؤمنین در پاسخ فرمودند:

«من حیث یأتیه أجله»^(۱).

از همان جاکه اجلش فرا می‌رسد.

جبین بر فاک و پیشمها گریان؛

در ادامه نیایش امام زین العابدین علیه السلام می‌فرمایند:

«جِبَاهُهُمْ سَاجِدَةٌ لِعَظَمَتِكَ وَعُيُونُهُمْ سَاهِرَةٌ فِي خِدْمَتِكَ وَدُمُوعُهُمْ

سَائِلَةٌ مِنْ حَشِيَّتِكَ».

انسان محبّ لحظه‌ای از یاد محبوب خود غافل نمی‌شود. به همین دلیل

شب نیز خواب چشمهای او را نمی‌رباید. در حدیث قدسی آمده است:

«كَذَّبَ مَنْ زَعَمَ أَنَّهُ يَحِبُّنِي فَإِذَا جَنَّتْهُ اللَّيْلُ نَامَ عَنِّي أَلَيْسَ كُلُّ مُحِبٍّ، يَحِبُّ

خَلْوَةَ حَبِيبِهِ؟»^(۲).

دروغ می‌گوید هرکس که ادعا کند مرا دوست می‌دارد، اما هنگامی که شب فرا

می‌رسد، می‌خواهد. آیا هر دوستداری، خلوت کردن با دوست خود را

نمی‌پسندد؟

۱- نهج البلاغه، کلمات قصار شماره ۳۵۶.

۲- امالی شیخ صدوق رحمته الله صفحه ۴۳۸.

چشم عاشق بیدار است و به خواب نمی‌رود. دل و قلب او نیز از یاد معشوق غافل نمی‌شود. عاشق همیشه در تلاش است تا معشوق را راضی و خشنود سازد. بندهٔ محبّ با عبادت، شب زنده داری و ... همواره در پی به دست آوردن خشنودی محبوب لایزال است. محبّین واقعی، همیشه سر برسجده دارند؛ چرا که این حالت نشان دهندهٔ نهایت خشوع و خضوع نسبت به محبوب است.

انسان در اثر طاعت و عبادت می‌تواند از ملائکه نیز بالاتر رود و از هرکسی به خداوند متعال نزدیکتر گردد. خداوند سبحان گاهی اوقات بر انسان فخر می‌ورزد و عظمت او را به رخ ملائکه و فرشتگان می‌کشد. وجود مبارک رسول الله ﷺ و ائمه اطهار علیهم السلام نمونه‌های عالی مباهات خداوند بر خلقت انسان هستند. ایشان به اعلیٰ درجهٔ محبّین رسیده‌اند.

خشوع به معنای خضوع همراه با محبّت و تکریم می‌باشد^(۱). انسان محبّ، قدرت کنترل اشک خود را ندارد و اشک‌های او جاری است. انسان محبّ از آنجا که حضور خداوند سبحان را در همه حال حس می‌کند و به خوبی می‌داند که اگر چه او خدا را نمی‌بیند اما خداوند متعال همیشه ناظر افعال و اعمال اوست و او را می‌بیند. این احساس موجب می‌شود که محبّ در تمامی لحظات حالت خشوع و خضوع داشته باشد و نهایت ادب را در همه جا و با همه کس به جا می‌آورد. در یک سخن همه وقت مراقب اعمال خود می‌باشد.

۱- مفردات الفاظ القرآن صفحهٔ ۱۴۹.

اشک‌هایی که از چشمان محبت‌آمیز در مجالس عزاداری بر اهل بیت علیهم‌السلام جاری می‌شود؛ اشک محبت است. هنگامی که ما به کسی تعلق خاطر و دلبستگی داشته باشیم، هنگامی که به یاد او بیفتیم؛ دلمان می‌لرزد و اشک بر گونه‌هایمان جاری می‌شود. اشک از روی محبت شیرین می‌باشد و زودتر از اشک از روی ترس جاری می‌شود. امام زین العابدین علیه‌السلام در ادامه نیایش می‌فرمایند:

«وَقُلُوبُهُمْ مُتَعَلِّقَةٌ بِمَحَبَّتِكَ وَأَفْبِدُتُهُمْ مُنْخَلِعَةٌ مِنْ مَهَابَتِكَ».

بنابر فرمایش امام سجاد علیه‌السلام دل از ابهت و شکوه خداوند منخلع شده و از جای کنده می‌شود. تا دل از غیر خدا جدا و منفصل نگردد، اتصال با حضرت حق سبحانه و تعالی ایجاد نمی‌شود.

انشاءالله خداوند دل‌های همه ما را به سوی خود متصل بگرداند.

«وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ»

چشم عاشق بیدار است و به خواب
نمی‌رود. دل و قلب او نیز از یاد معشوق
غافل نمی‌شود. عاشق همیشه در تلاش
است تا معشوق را راضی و خشنود
سازد. بندهٔ محبّ با عبادت، شب زنده
داری و... همواره در پی به دست آوردن
خشنودی محبوب لایزال است. محبتین
واقعی، همیشه سر برسجده دارند؛ چرا
که این حالت نشان دهندهٔ نهایت خشوع و
خضوع نسبت به محبوب است.

(صفحهٔ ۱۰ از همین جزوه)

www.yasrebi.ir

پست الکترونیک: info@yasrebi.ir

محل برگزاری جلسات :

چهار راه شهدا - خیابان معلم - کوچه معلم ۱۴ - پلاک ۸

تلفن ۷۷۳۲۳۶۷ و ۷۷۴۹۱۶۰ - نمابر ۷۷۴۳۹۱۹